

نقش مادری در آموزه‌های قرآنی

اعظم نوری^۱

چکیده

مادری در کنار همسری، مهم‌ترین نقشی است که زنان در خانواده بر عهده می‌گیرند. هر چند امروزه با نگرش‌های فمینیستی، این نقش‌ها به چالش کشیده شده، با تکیه بر طبیعت و فطرت زنانه، نقش مادری در آموزه‌های اسلامی به ویژه در آیات قرآن کریم مورد توجه ویژه قرار گرفته است. به ویژگی‌های طبیعی زنان مانند فرزندخواهی، محبت و دلبستگی به فرزندان و مراقبت از آنان و نیز به حقوق مادران مانند تأمین نیازهای مادی آنها، تکریم، احترام و قدرشناسی از زحمات و احساسات مادرانه آنها در آیاتی از قرآن کریم اشاره شده است.

قرآن کریم برای ویژگی‌ها، وظایف و حقوق مادران، مقام و جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته که عمل به آنها موجب ارزشمندی هر چه بیشتر این نقش می‌شود. تشویق زنان به فرزندآوری و انجام مسئولیت‌های لازم در این زمینه، موجب پرورش نسلی برخوردار از سلامت جسمی و روانی خواهد بود. این نوشتار با توجه به آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام به بررسی ویژگی‌ها و حقوق مادران می‌پردازد.

کلید واژه: مادری، قرآن، ویژگی‌های طبیعی، حقوق مادران.

۱. کارشناس ارشد تفسیر، پژوهشگر پژوهشگاه حضرت معصومه.

مادری به مفهوم فرزندآوری و مراقبت از فرزندان همراه با برآوردن نیازهای مادی و روحی و فراهم نمودن بستر مناسب برای رشد و پرورش صحیح آنها است. ایفای مسئولانه این مسئولیت، نقش مهمی در تربیت نسل و در نتیجه، سلامت جامعه انسانی دارد. شمار زیاد آیات و احادیثی که به احترام و کرامت مادر پرداخته‌اند، نشانگر اهمیت این نقش است. با توجه ضوابط مادری و آموزه‌هایی که در کلمات و رفتار امامان معصوم علیهم‌السلام وجود دارد، اسلام آن را نمودی عالی از کمال زن دانسته و برای آن پاداش‌های معنوی زیادی را ذکر نموده است. از سوی دیگر، با نظامی سازمان‌یافته از رفتارهای واجب و مستحب، پدران و فرزندان را به گونه‌ای در خدمت مادران قرار داده تا آنان مطابق با فعالیت‌ها و ویژگی‌های زیستی بتوانند مادری کنند و فرزندانشان را با آسودگی خاطر پرورش دهند.

با این وجود، امروزه به دلیل گسترش افکار فمینیستی و انحراف آزادی‌های فردی و سرازیر شدن زنان به بازارهای کار، مادری کردن زنان بیش از آنکه ارزش تلقی شود، مانع پیشرفت در تحصیل، کسب درآمد و... به شمار می‌رود. این پدیده همراه با نوآوری‌های پزشکی و فناوری، به زنان حق انتخاب مادر بودن یا نبودن را داده و روند ضدیت با مادری را شدت بخشیده است.

بررسی نگرش تکامل‌گرایانه اسلام به مادری و دوران بارداری و پرورش فرزند و شناخت جایگاه و حقوق مادران با توجه به آیات قرآن و روایات اهل بیت نگرش‌های منفی در این زمینه را کم‌رنگ می‌نماید و آن را با ارزش‌هایی مانند تقوا، صبر و از خودگذشتگی، عفت و اخلاق نیکو همراه می‌کند. این نوشتار با هدف شناخت دیدگاه اسلام در مورد ویژگی‌های نقش مادری، در پی شناسایی هرچه بیشتر مقام و جایگاه مادران است؛ چراکه با شناساندن این جایگاه و موقعیت، فرزندان و همسران، بیشتر قدردان مادران خواهند بود و مادران نیز با درک صحیح موقعیت ویژه خود در اسلام، به وظایف خود پی می‌برند.

ویژگی‌های مادران در قرآن و روایات

در آموزه‌های اسلامی، مادر بودن ارزش و مسئولیتی بزرگ است که به دلیل ویژگی‌های

زیستی و روانی زنان، بر عهده آنان قرار گرفته است. فقه اسلامی نیز بر اساس همین ویژگی‌ها، مادران را سزاوارتر از دیگران در مراقبت از فرزندان می‌داند. این ویژگی‌های زیستی و روانی در آیاتی از قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است که در دو بخش به آنها اشاره می‌شود.

الف) ویژگی‌های زیستی

مادری، موقعیتی است که از نظر زیست‌شناختی با نخستین بارداری و تولد اولین فرزند به وجود می‌آید. اموری مانند بارداری، زایمان، شیردهی و مراقبت از فرزند، به طور مستقیم با ویژگی‌های زیستی مادر در ارتباط است. از سوی دیگر، بر اساس پژوهش‌های انجام‌گرفته، احساس مادرانه و مراقبت از کودکان، به طور طبیعی در همه زنان وجود دارد. این احساس، ریشه در عملکرد مجموعه‌ای از ترکیبات شیمیایی در همه پستانداران ریشه دارد، که با تغییرات در اندام‌های اختصاصی زنان مانند رحم همراه است (عزیزی، ۱۳۶۳، ۱۱۵).

۱. مادری طبیعی

قرآن کریم با یادآوری و تأکید بر جنبه‌های زیست‌شناسی زنان در عهده‌دار شدن نقش مادری، به مادری طبیعی در مقابل مادری قراردادی معتقد است. در اثبات این مسأله می‌توان به این آیه شریفه استناد نمود: «... إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ...»... مادرانشان تنها کسانی‌اند که آنها را به دنیا آورده‌اند...» (مجادله: ۲).

در این آیه، قرآن کریم تأکید می‌کند که مادران، کسانی‌اند که فرزندانشان را به دنیا آورده‌اند. مفسران در تفسیر این آیه گفته‌اند که رابطه مادر و فرزندی، معلول گذراندن فرایند ویژه‌ای به نام بارداری و وضع حمل است و با قراردادهای بشری به وجود نمی‌آید، بلکه این رابطه، واقعیت عینی خارجی است (مکارم، ۱۳۷۴، ۴۱۰/۲۳).

این نظریه قرآنی در مورد پسرخواندگی نیز قابل اثبات است. «تبنی» یا پسرخواندگی، رسمی در جاهلیت عرب بود که افراد بچه‌هایی را پسر خود می‌خواندند و احکام پسر را درباره او اجرا می‌کردند. این رسم جاهلی با نزول آیه ذیل از میان برداشته شد:

... وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ

يَهْدِي السَّبِيلَ (احزاب/ ۴).

خداوند پسرخوانده‌هایتان را پسران (واقعی) شما قرار نداده است. این گفتار شما

به زبانتان است و خدا حق را می‌گوید و او به راه (راست) هدایت می‌کند.

طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان می‌نویسد:

«الادعیاء» جمع دعی (کسی را به فرزندى انتخاب کردن) و خداوند فرموده که این فرزند، فرزند حقیقی نیست. این آیه در رابطه با زید بن حارثه نازل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از وحی، او را فرزند خود خوانده بود. بعد از ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش، همسر مطلقه زید، یهود و منافقین به پیامبر اعتراض کردند که حضرت با همسر پسرش ازدواج کرده است. این آیه در رد قول منافقین و یهود نازل شد (طبرسی، بی تا، ۵۲۷/۸).

در تفسیر کشاف نیز آمده است:

پسر واقعی بودن و پسرخواندگی با هم جمع نمی‌شود. بنوّت و فرزند داشتن در نسب و ریشه اصالت دارد، ولی فرزندخواندگی یک چیز عارضی است، فقط اسم است، یک چیز اصیل با غیر اصیل یک جا جمع نمی‌شود. این مثل جریان زید بن حارثه است که مردم وی را «زید بن محمد» می‌گفتند تا اینکه این آیه نازل شد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۵۲۰/۳).

بنابراین، روشن می‌شود که بر عهده گرفتن نقش پدری و مادری طبق آیات سوره مجادله، امری طبیعی است و روابط قراردادی جایگزین رابطه طبیعی نمی‌شود.

۲. قاعدگی

پس از بلوغ، تغییراتی زیستی در بدن زنان اتفاق می‌افتد که برای آمادگی آنان در ایفای نقش مادری است. این تغییرات در زنان از بلوغ آغاز می‌شود و تا زمان یائسگی ادامه می‌یابد. در این دوران، عادت ماهیانه یا قاعدگی رخ می‌دهد که خونریزی فیزیولوژیک دوره‌ای رحم است و به طور معمول هر چهار هفته یک‌بار در دوران استعداد باروری زن و در غیاب حاملگی اتفاق می‌افتد. به طور کلی، قاعدگی لازمه و مقدمه بارداری به شمار می‌رود که در نگاه اسلام یکی از مراحل مادر شدن و دورانی پر مشقت و همراه با ثواب و تقرب الهی است. در قرآن کریم آمده است:

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَرِ لُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ... (بقره/ ۲۲۲).

و از تو درباره عادت زنانه می‌پرسند. بگو: آن نوعی آزار و ناراحتی است. پس، از (آمیزش با) زنان در زمان عادت، کناره‌گیری نمایید و تا پاک نشوند به آنها

نزديک نشويد.

در مورد واژه «أذی» برخی از مفسران بر این باورند که به معنای چیز آلوده یا زیان آور است و در حقیقت این جمله، فلسفه حکم اجتناب از آمیزش جنسی زنان را در حالت قاعدگی را بیان می کند (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۳۸/۲). علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن کریم این معنا را نمی پذیرد و با استناد به معنای این کلمه در دیگر آیات، آن را به معنای ضرر و هر عارضه ای که ملایم با طبع نباشد، می داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲۰۷/۲). صاحب تفسیر جوامع نیز با توجه به این واژه، حیض را امری می داند که باعث تنفر و آزار زن می شود (طبرسی، بی تا، ۱۲۱/۱). با این نگرش که قاعدگی، امری تکوینی است و به اراده خداوند متعال در وجود زن قرار داده شده و بر اساس قرآن کریم، رنج و اذیتی برای زنان و مقدمه باروری و فرزندآوری به شمار می رود، بی شک تحمل درد و رنج آن نیز، بدون اجر و ثواب نخواهد بود. هر چند در این دوران به امر الهی، زنان نماز و روزه را نیز ترک می کنند، ولی به گفته علامه مجلسی، قعود و ترک نماز و روزه به دستور خداوند است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴۸/۳۲) و اطاعت از آن، همان پذیرش عبودیت الهی و گونه ای از عبادات است؛ چراکه عبادت، گاهی به انجام فعل است (مانند خواندن نماز) و گاهی به ترک فعل (مانند ترک نماز و روزه در ایام حیض).

۳. بارداری

افزون بر حیض، قرآن کریم به سختی دوران بارداری نیز اشاره کرده، می فرماید:

وَصَبَّأْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتُهُ أُمُّهُ وَهَنَّا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (لقمان/ ۱۴).

و ما انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم، درحالی که مادرش او را (در شکم خود در ایام بارداری) در حال ضعف روی ضعف حمل کرد) و (شیر دادن و) از شیر جدا کردنش، در دو سال بود. (گفتم) که مرا و پدر و مادرت را سپاس گزار که بازگشت (همه) به سوی من است.

«وهن» به معنای ضعف و سستی است. در کتب لغت آمده که با رشد جنین در شکم مادر، ضعف و سستی مادر، فزونی می گیرد. به همین دلیل، این واژه در مورد بارداری زن به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۸۸۷). این کلمه در آیه شریفه، نشان از توجه خدای متعال به رنج و سختی مادر در دوران بارداری دارد که در مقابل آن، فرزندان را ملزم به قدرشناسی از



مادر می‌کند و حمایت و سپاسگزاری از وی را در کنار شکرگزاری از خداوند مطرح می‌کند.

در آیه دیگری، خداوند به سنگینی زن در روزهای پایان بارداری اشاره می‌کند:

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمَلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهَا لِنَّ أَنْتِنَا صَالِحًا لَنَكُونَ مِنْ الشَّاكِرِينَ (اعراف: ۱۸۹).

اوست آن که همه شما را از یک نفس (پدرتان) آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنارش آرام یابد. پس چون با همسرش آمیزش کرد، وی باری سبک بر گرفت و چندی با آن بار گذراند (اوایل مدت حمل) و چون سنگین‌بار گردید، هر دو، الله، پروردگار خود را خواندند که اگر ما را فرزندی شایسته (سالم و قادر بر ادامه زندگی) عطا کنی، مسلماً از سپاس‌گزاران خواهیم بود.

منظور از «بار سبک» در آیه، نطفه است که در آغاز بارداری در وجود زن قرار می‌گیرد، تا زمانی که نطفه در رحم رشد می‌کند و سنگین می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۷۴/۸). بر اساس آیه شریفه، همسر آدم در این هنگام که احساس سنگینی می‌کرد، به یاد خدا افتاد و دعا کرد و از خداوند طلب مدد نمود (قرائتی، ۱۳۸۳، ۲۴۶/۴). شاید بتوان نتیجه گرفت که سختی این دوران به گونه‌ای است که هیچ‌کس نمی‌تواند به زن کمک و مددی برساند و بار او را سبک‌تر کند، یا آن را برای مدتی از دوش وی بردارد، یا جنین او را از خطرات حفظ کند. بنابراین، مادر در این هنگام به یاد خداوند می‌افتد و فقط از او یاری می‌خواهد.

در روایات نیز به دوران حمل این‌گونه اشاره می‌شود:

وَأَمَّا حَقُّ الرَّحِمِ فَحَقُّ أُمَّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُطْعَمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَنَّهَا وَفَّتَكَ بِسَمْعِهَا وَ بَصَرِهَا وَ يَدِهَا وَ رَجْلَيْهَا وَ شَعْرَهَا وَ بَشَرَهَا وَ جَمِيعَ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَرَحَّةٌ مَوْبِلَةٌ [مُؤَمَّلَةٌ] مُحْتَمَلَةٌ لِمَا فِيهِ مَكْرُوهٌهَا وَ أَلَّهُ وَ ثَقَلَهُ وَ غَمَهُ [أَلَمَهَا وَ ثَقَلَهَا وَ غَمَهَا] حَتَّى دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَ أَخْرَجَتْكَ إِلَى الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ أَنْ تَشَبَعَ وَ تَجُوعَ هِيَ... (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۵/۷۱).

و اما درباره حق ارحام، پس در مورد حق مادرت باید بدانی که هنگامی تو را حمل می‌کرد که هیچ‌کس حاضر نمی‌شد کسی را حمل کند و باید بدانی که تو از شیر جانش تغذیه کردی، به گونه‌ای که هیچ‌کس برای هیچ‌کس این‌گونه اطعام

نمی‌کند و تو را با گوش و چشم و دست و پا و موی و پوست خود درک کرد و تمام اعضای بدنش درحالی‌که شادمان بود به این گذشت و از نتیجه عمل خود خوشحالی می‌کرد. برای جنینی که در شکم داشت، همه رنج‌ها و ناراحتی‌ها و غم‌ها را تحمل کرد تا اینکه به قدرت الهی ناگهان تو را به دنیا آورد و (از شیر خودش) تو را سیراب نمود، درحالی‌که خود گرسنگی می‌کشید.

در این روایت، از تکرار تعبیر «أحداً أحداً» روشن می‌شود که جز مادر، هیچ‌کس در حق فردی دیگر (فرزند)، اینچنین فداکاری نمی‌کند. با این تعبیر، ارزش مادر از ارزش پدر نیز فراتر می‌رود؛ زیرا پدر نیز قادر به مساعدت مادر، حمل و تغذیه نیست. بنابراین، جنبه‌های طبیعی مادری، مانند بارداری، زایمان و شیردهی در قرآن کریم و روایات، کارهایی ارزشمند شمرده شده که زن را مستحق قدردانی و پاداش می‌کند، بر خلاف طرفداران نظریات فمینیستی که با انکار مادری طبیعی و رد نمودن ملزومات طبیعی آن مانند بارداری و زایمان، این امور را فقط کارکردی حیوانی می‌دانند که با رشد و تعالی زن منافات دارد. آنان از زنان می‌خواهند با پذیرش شیوه‌ها و فناوری‌هایی مانند راه‌های پیشگیری از بارداری، بارداری خارج از رحم و تولید نوزادان آزمایشگاهی، خود را از قیدوبندهای [!] زیستی زنانه آزاد کنند (اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، ۱۳۸۸).

۴. زایمان

زایمان فرایندی است که جنین و جفت از راه کانال زایمان، از بدن زن خارج می‌شود. حاملگی حدود نُه ماه طول می‌کشد و زمانی که جنین، آماده تولد شد، سر آن به دهانه رحم فشار می‌آورد و آرام آرام آن را باز می‌کند. دیواره دهانه رحم نیز به تدریج نازک‌تر می‌شود تا مجرای بازی برای عبور جنین و تولد او به وجود آورد. سپس پرده دور جنین پاره می‌شود و مایع آمنیوتیک به بیرون می‌ریزد. عضلات قوی در دیواره رحم شروع به انقباض شدید می‌کنند که سبب درد زایمان برای مادر می‌شود. این انقباض، نیروی لازم برای خارج کردن و تولد جنین است؛ پس از تولد نوزاد، مرحله دیگری از نقش مادری آغاز می‌شود. در قرآن کریم در مورد زایمان حضرت مریم آمده است:

فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّسِيًّا

(مریم: ۲۳).

پس درد زاییدن او را قهراً به سوی تنه خشک درخت خرما کشانید. او (از ناراحتی درد و بیم رسوایی) گفت: ای کاش قبل از این می‌مردم و به کلی فراموش می‌شدم.

در آیه شریفه، وصف حال مریم در هنگام تولد حضرت عیسی علیه السلام بیان شده که هنگام درد زایمان، از مردم فاصله گرفت و در آن حالت آرزوی مرگ نمود. یکی از علل این آرزو، بارداری و زایمان در تنهایی و غربت بود (قرائتی، ۱۳۸۳، ۲۵۶/۷). بعد از اشاره به سختی و دشواری امر زایمان که شخصیت بزرگی چون مریم در آن لحظات آرزوی مرگ می‌کند (درد زایمان و ترس و ناراحتی از تهمت‌های مردم)، خداوند با اشاره لطیفی، از مراقبت از مادر پس از زایمان سخن می‌گوید:

وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا * فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا...
(مریم: ۲۵ و ۲۶).

و درخت خرما را به سوی خویش حرکت ده تا برای تو خرمای تازه چیده فروریزد * پس (از آن میوه) بخور و (از آن چشمه) بیاشام و چشم (به مولود جدید) روشن دار... یکی از نکات مهم پس از زایمان، این است که مادر هرچه زودتر از ناراحتی‌ها و مشکلات جسمی و روحی دوران حمل و فرایند زایمان رها شود و به حالت طبیعی بازگردد. خداوند با توجه به شرایط حضرت مریم و نیاز جسمی پس از زایمان و شرایط روحی او سفارش می‌کند که خرما بخورد (فُكُلِي) و آبی بیاشامد (وَ اشْرَبِي) و احساس خوشایندی داشته باشد. (وَ قَرِّي عَيْنًا).

یکی از علل مرگ و میر مادران، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، خونریزی غیر طبیعی پس از زایمان است. بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، در خرما سیزده ماده حیاتی و پنج ویتامین وجود دارد که خرما را منبع غذایی غنی نموده و از آنجا که زنان پس از زایمان، نیاز زیادی به غذای نیروبخش و پرویتامین دارند، خوردن خرما به آنان توصیه می‌شود. قرآن کریم نیز با توجه به این نیاز، بهترین تغذیه را به حضرت مریم سفارش کرده است. در تفسیر قرطبی آمده است:

بنابراین آیه، هیچ چیز در نظر من برای زن زائو بهتر از خرما نیست. چنانچه خداوند از میان غذاها، چیز دیگری را برای زائو مفید می‌دانست، آن را به حضرت مریم معرفی می‌کرد. به همین دلیل، گفته‌اند خرما برای زن زائو مفید است. همچنین

گفته‌اند: چنانچه زایمان زن سخت و مشکل شد، برای او چیزی بهتر از خرما وجود ندارد. همچنین بهترین غذا برای فرد بیمار، عسل است (قرطبی، ۱۳۶۴، ۹۶/۱۱).

با نگاهی به ویژگی‌های زیستی مادران، گذراندن و تحمل مشقت این دوران؛ چه مقدمه‌های بارداری مانند حیض و چه سختی بارداری و زایمان، زمینه کمال زن محسوب می‌شود که در پرتو اراده الهی با صبر و اعتقاد می‌توان به پرورش روح پرداخت و مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جلوه‌های اخلاق انسانی مانند گذشت و ایثار را متجلی نمود.

ارزش و اهمیت دیدگاه اسلام را زمانی می‌توان دریافت که رنج و مشقت دوران بارداری و زایمان زن را در نگرش دیگر مکاتب نیز بررسی کنیم. یکی از خاخام‌های یهودی نُه درد را برای زن برمی‌شمارد که خداوند به دلیل گناه نخستین زن (حوا) بر او و دختران وی نازل کرده است: تحمل دوران قاعدگی، خون بکارت، درد حاملگی، درد زایمان سختی بچه‌داری و... (صادقی فسائی و دیگران، ۱۳۸۶). در این دیدگاه، ویژگی‌های تکوینی زن که مقدمه پذیرش نقش مادری است، عذاب زنان و توان گناه نخستین زن به شمار می‌آید.

برخی از فمینیست‌ها نیز با دردناک و بیهوده دانستن واکنش‌های زیستی تولید مثل، سقط جنین را حق زنان و فناوری‌های نوین تولید مثل (مانند IVF) را ابزاری مفید برای فرزنددار شدن می‌دانند. با گذشت زمان، این باورها نتایج غیر منتظره‌ای را به بار آورد و بسیاری از این زنان و دختران، این طرح را تنش‌زا و آزاردهنده یافتند، به ویژه زمانی که در میان‌سالگی با وجود شغل و شرایط مناسب، باروری آنها کاهش یافته بود. آنان امروز مشتریان پروپاقرص کلینک‌های باروری شده‌اند و میلیون‌ها دلار پول خرج می‌کنند تا بچه‌دار شوند و زمان از دست رفته را بازگردانند (صادقی فسائی، ۱۳۸۶).

ب) ویژگی‌های روانی

افزون بر ویژگی‌های زیستی مادران، شماری از ویژگی‌های روحی مادران نیز در قرآن کریم آمده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. فرزندخواهی

یکی از نیازها و قابلیت‌های مهم زنان، روح پرورش‌دهندگی و مادری است. به گفته روان‌شناسان، غریزه مادری طبیعی‌ترین غرایز است و تکامل زن و سلامت او، با مادر شدن

امکان‌پذیر است. تجلی احساس مادرانه و نیاز به فرزند در بسیاری از زنان به سادگی قابل مشاهده است؛ زیرا شدت احساسات و عواطف، از صفات بارز آنان است و مهم‌ترین عرصه تجلی عاطفه و احساس، مادری کردن است و زن، فقط با مادر شدن می‌تواند تمام ظرفیت‌های عاطفی خود را بروز دهد. همچنین، طبیعی بودن این غریزه باعث می‌شود پس از تولید مثل، مرحله دوم تکثیر نسل که شامل «تداوم نسل» است، در نوع بشر تحقق یابد (جمشیدی و همکاران، ۱۳۸۵).

قرآن کریم نیز غریزه فرزندخواهی زنان را تأیید نموده است. خداوند در بیان سرگذشت حضرت ابراهیم علیه السلام، زمانی که از بشارت ولادت اسحاق در دوران پیری ابراهیم سخن می‌گوید، به شادمانی همسر سالمندش، ساره نیز اشاره می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷۲/۹):

وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿۷۲﴾ قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَكَيْفٌ عَجِيبٌ (هود: ۷۱ و ۷۲).

و همسرش ایستاده بود، (از خوشحالی) خندید؛ پس او را بشارت به اسحاق، و بعد از او یعقوب دادیم ﴿۷۲﴾ با تعجب فریاد کشید که ای وای بر من! آیا من فرزند می‌آورم، درحالی‌که پیرزنم و شوهرم نیز پیر است! این مسأله بسیار عجیبی است.

شادی و صفا ناپذیر ساره، نشان از علاقه وی به داشتن فرزند است که در دوران پیری نیز در وجود وی زنده مانده بود. با توجه به این آیه می‌توان استدلال کرد که حس فرزندخواهی زنان، به دوره و زمان ویژه‌ای محدود نمی‌شود، ولی از آنجا که به طور معمول، زنان در دوره جوانی قدرت باروری و مادر شدن دارند، این حس در آن دوران شدیدتر و بیشتر است. ساره به اندازه‌ای بود که با شنیدن خبر مادر شدن رفتاری غیر معمول از او سر می‌زند:

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرََّةٍ فَصَكَتْ وَ جَهَّهَا وَ قَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ (ذاریات: ۲۹).

در این هنگام، همسرش جلو آمد. درحالی‌که (از خوشحالی و تعجب) فریاد می‌کشید، به صورت خود زد و گفت: «(آیا پسری خواهم آورد، درحالی‌که) پیرزنی نازا هستم؟».

دیگر شاهد قرآنی بر غریزه فرزندخواهی زنان، همسر عمران، مادر حضرت مریم علیها السلام است. بر اساس تفاسیر، حنة و اشعیاع دو خواهر بودند که اولی به همسری عمران درآمد که از شخصیت‌های برجسته بنی اسرائیل بود و دومی با حضرت زکریا علیه السلام، پیامبر خدا

ازدواج کرد. حنه، همسر عمران سال‌های زیادی دارای فرزندی نشد. روزی زیر درختی نشسته بود، پرنده‌ای را دید که به جوجه‌های خود غذا می‌دهد. دیدن این محبت مادرانه، آتش فرزندخواهی را در دل او شعله‌ور ساخت و از ژرفای دل از خداوند تقاضای فرزند کرد. چیزی نگذشت که این دعای خالصانه به اجابت رسید و او باردار شد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۳۵۵/۱). وی برای اجابت دعایش نذر کرده بود که فرزندش را به خدمتگزاری بیت المقدس بگمارد (فخررازی، ۱۴۲۰، ۲۰۳/۸):

إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا، فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (آل عمران: ۳۵).

و زن عمران گفت: ای پروردگار من، نذر کردم که آنچه در شکم دارم از کار این جهانی آزاد و تنها در خدمت تو باشد. این نذر را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی

۲. عطوفت نسبت به فرزند

عشق مادر به فرزند، از زیباترین جلوه‌های زندگی مادر و کودک است که صحنه‌های زیبایی از فداکاری، محبت و ایثار را می‌آفریند. عاطفه و محبت نسبت به فرزند، حمایت‌ها و جنبه‌های مراقبتی از فرزند را نیز ایجاد می‌کند و مادران را به صرف عمر و جوانی در این کار وامی‌دارد. طبیعت مادرانه چنان این محبت را در وجود آنان تثبیت کرده که در بسیاری از موارد، قانون و شرع مجالی برای توصیه به آن و دخالت در چگونگی آن ندارد. هر چند در اسلام، بر مواردی چون برتری تغذیه کودک با شیر مادر نسبت به دیگر شیوه‌های تغذیه (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۷۵/۱۵) و برتری عاطفه مادر نسبت به فرزند بر دیگر عاطفه‌ها و تربیت فرزندان به دست مادران تأکید بسیار شده و آن را دارای ارزش زیادی می‌داند، ولی این موضوع به شکل «اولویت مهم» وارد شده است؛ نه «امری الزامی»؛ زیرا مادران خود به طور طبیعی به فرزندان خود عشق می‌ورزند و از آنها مراقبت و نگهداری می‌کنند.

این عشق و علاقه، ستودنی و قابل احترام است، چنانکه خداوند متعال عشق و نگرانی مادر موسی علیه السلام را محترم شمرده است. زمانی که خداوند برای حفظ جان موسی علیه السلام به مادرش امر می‌کند: «أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْذِفِهِ فِي الْيَمِّ...»؛ او را در صندوقی بنه و آن را در دریا بیفکن... «(طه: ۳۹)، وی را با عباراتی خاص دل‌داری می‌دهد؛ زیرا به طور طبیعی در

نگاه مادر موسی، انداختن نوزادی در آب رودخانه، قرار دادن وی در شرایط خطر است و او نمی تواند به سادگی، فرزند خردسالش را در این شرایط رها کند.

استفاده از واژه «اقذیه» به معنای افکندن و پرتاب کردن (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۷۶/۹) نشانه سختی این کار است و شاید اشاره به این نکته باشد که مادر، بدون هیچ ترس و واهمه‌ای دل از او بردارد و شجاعانه او را در صندوق بگذارد و بی‌اعتنا به تلاطم امواج، وی را به رود نیل بیفکند و ترس و وحشتی به خود راه ندهد (مکارم، ۱۳۷۴، ۱۹۹/۱۳).

در آیه دیگری به ژرفای محبت و وابستگی مادر موسی اشاره شده که غلبه بر آن، نیازمند مدد الهی است:

وَ أَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنَّ كَادَتْ لِتُبَدِّيَ بِهِ لَوْلَا أَنَّ رَبَّنَا عَلَيَّ قَلْبَهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (قصص: ۱۰).

و قلب مادر موسی (از شدت ناراحتی فرزند) تهی (از همه چیز غیر از فکر او) گشت و اگر نه این بود که ما دلش را استوار داشتیم تا از مؤمنان باشد، هر آینه نزدیک بود مطلب را افشا کند.

با این حال مادر موسی با همان ایمان و پایداری که خداوند در قلبش افکنده بود، خواهر موسی را در پی صندوقی که در آب رها کرده بود، فرستاد تا از سرنوشت آن آگاه شود. نگرانی‌های وی همچنان ادامه داشت تا خداوند، فرزندش را به وی بازگرداند و به آرامش رساند: «... فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ...»؛ پس تو را به مادرت بازگردانیم، تا چشمش به تو روشن شود؛ و غمگین نگردد...» (طه: ۴۰). گویی خداوند، نگرانی‌های مادر نسبت به فرزندش را محترم و ارزشمند می‌شمارد و غم مادر را با برگرداندن فرزند پایان می‌دهد.

با توجه به این آیات می‌توان گفت که وابستگی و عاطفه مادر به فرزند، فطری است و چیزی نمی‌تواند آن را کم‌رنگ نماید و یا از بین ببرد. وابستگی مادر موسی به کودک شیرخوارش به آن اندازه بوده که به تعبیر قرآن، جز به مدد و یاری خداوند قابل تحمل نبوده و اگر جز این می‌بود، وی از شدت احساسات، راز فرزندش را فاش می‌کرد.

در روایات معصومان نیز غریزه فرزنددوستی زنان بیان شده است، گویا دختران از ابتدا با صفاتی مانند دلسوزی، لطافت و آرامش‌بخشی برای مادری خلق شده‌اند: رسول خدا ﷺ زنی را دید که با وجود گرسنگی، تکه نانی را که به او بخشیده بودند، به فرزندانش می‌داد. فرمود:

«وَالِدَاتُ وَالِهَاتُ رَحِيَّاتٌ بَأْوَلَادِهِنَّ لَوْلَا مَا يَأْتِينَ إِلَيَّ أَرْوَاجِهِنَّ لَقِيلَ لهنَّ ادْخُلْنَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ»
(کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۵۴).

ذکر نامی از بانوی بزرگ اسلام، **فاطمه زهرا (علیها السلام)** در این مجال شایسته است تا الگو بودن حضرت در مادری و مهربانی به فرزندان، بیش از پیش شناخته شود. یکی از القاب حضرت **فاطمه (علیها السلام)**، «حانیه» معنای زن دلسوز و مشفق است. روایاتی در مورد تلاش‌های آن بانوی بزرگوار در انجام وظایف مادری ذکر شده است، از جمله: بازی کردن با کودکان (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸۶/۴۳)، غذا خوراندن به کودکان هم‌زمان با هم، تلاش برای برقراری عدالت در رفتار با کودکان، تلاش برای آموزش صبر در برابر سختی‌ها با آرام کردن فرزندان گرسنه‌ای که دو روز غذا نخورده بودند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۵۷/۴۱).

با دگرگونی‌هایی عصر حاضر به نظر می‌رسد این وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها در برخی از زنان و مادران کاهش یافته و امور دیگری مانند فعالیت‌های اجتماعی، اشتغال و درآمدزایی، پرداختن به تفریح‌های متنوع و... جای آن را گرفته است. می‌توان مهم‌ترین دلیل این دگرگونی را تغییر نگاه ارزشی به نقش زنانگی و مادری دانست که در سال‌های اخیر به دلیل رشد جنبش فمینیسم، بیشتر فراگیر شده است. فمینیست‌های تندرو با تحقیر نهاد خانواده، ارزش مادری را حاشیه‌ای و غیر مهم می‌دانند و با تأکید بر تساوی زنان و مردان، بدون در نظر گرفتن جنسیت، زحمات و اهمیت کار زنان را در دوران بارداری، به دنیا آوردن فرزند، شیر دادن و پرورش نسل نادیده می‌گیرند (صادقی فسائی و دیگران، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر، رواج ارزش‌های مادی و فردگرایی که تناسبی با فداکاری‌های مادرانه ندارد نیز در طرد نقش مادری تأثیرگذار بوده است. برخی از جریان‌های روشن‌فکری، فردیت یافتن زنان را به معنای استقلال اقتصادی و خودآگاهی زنان و پایان بخشیدن به مادر، همسر و جنس دوم دیدن زن و بالاخره به رسمیت شناختن سروری زنان بر بدن خویش دانسته و رشد فردگرایی را عامل چالش‌گری زنان علیه پدرسالاری خوانده است.

فردگرایی در اصطلاح غربی به این معنا است که سعادت هر فرد، فقط در ارتباط با اراده و اختیار خود و ویژگی‌های غریزی و مادی‌اش تعریف می‌شود (تشکری، ۱۳۸۱). با این دیدگاه، هیچ‌کس از جمله زنی که نقش مادری را بر عهده دارد، الزامی ندارد که وقت و هزینه‌ای برای کودکش صرف کند. همچنین اموری مانند مراقبت از فرزند، تلاش برای تغذیه مناسب

و بهداشت فردی کودک، فراهم نمودن زمینه آموزش، شب‌بیداری برای نگهداری از نوزاد یا کودک بیمار بی‌معنا خواهد بود و کودک، مزاحمی خواهد بود که با ورود به زندگی مادر، وی را از خواب راحت شبانه، تفریح، اشتغال و درآمدزایی و... محروم نموده است. این اندیشه را می‌توان در نظرات و نوشته‌های سردمداران فمینیسم دید. **سیمون دوبوار** می‌نویسد:

بارداری، ماجرای غم‌انگیزی است که در زن، بین خودش و خودش صورت می‌گیرد.... جنین قسمتی از پیکر اوست و نیز انگلی است که از او بهره‌برداری می‌کند و زن که در دام‌های طبیعت گرفتار آمده، گیاه و جانور است، انباری از ژلاتین است، ماشین جوجه‌کشی است (دوبوار، ۱۳۸۰).

برخی از آنها نیز مراقبت مادر از فرزند و وقت گذاشتن برای تربیت او را دسیسه‌ای مردانه می‌دانند که باید با فعالیت‌های فمینیستی رویاروی آن مبارزه کرد. **آن اکل**، یکی از فمینیست‌های رادیکال در این زمینه می‌گوید: «این واقعیت که طبیعت، فرایند شکل‌گیری و رشد جنین انسان و سپس تغذیه آن را در بدن زن تعبیه نموده است، نباید باعث شود وظیفه مراقبت و پرورش نوزاد انسان به عهده زن قرار گیرد» (مشیرزاده، ۱۳۸۱).

حقوق مادران

نمی‌توان منکر این واقعیت شد که دشواری‌های زیادی در دوران بارداری، زایمان، شیردهی و مراقبت و تربیت فرزندان وجود دارد که محدودیت‌هایی را بر زنان تحمیل می‌کند. پس عهده‌دار شدن این مسئولیت‌ها، نیازمند پشتوانه‌ای محکم است تا زنان از عوارضی چون آشفتگی روانی، سرخوردگی، احساس پوچی و از خودبیگانگی دور باشند و مادر بودن را فعالیتی سخت و بی‌حاصل ندانند. برای نیل به این هدف لازم است تا جانب‌داری‌هایی از مادران صورت گیرد و جایگاه آنها معرفی شود تا از سوی پدران و فرزندان مورد حمایت قرار گیرند.

تلاش برای ارج نهادن به جایگاه مادران و سپاس و قدردانی از زحمات آنها، گام بزرگی در سلامت روانی و جسمی مادران به شمار می‌رود. **قرآن کریم** در این مورد سفارش‌هایی به مسلمانان دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

یکم. ارج نهادن به سختی‌های دوران بارداری

خداوند در آیه چهارده سوره لقمان، پس از آنکه با عبارت «... حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلٰی وَهْنٍ...»

مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد...»، رنج و سختی مادر در دوران بارداری را بیان می‌کند، به فرزندان سفارش می‌کند که زحمات و سختی‌های وی را از یاد نبرده، قدردان باشند. سپس در ادامه آیه می‌فرماید: «مرا و پدر و مادرت را سپاس‌گزار». پس از این امر ارشادی، امر الهی رنگ تهدید می‌گیرد: «إِلَيَّ الْمَصِيرُ؛ بازگشت همه شما به سوی من است»؛ به این معنا که اگر شکر خداوند و والدین را به جا نیاورید، در آخرت سرانجام خوبی نخواهید داشت. بر اساس آیه شریفه، رنج‌ها و سختی‌هایی که مادر در دوران بارداری متحمل می‌شود، از جانب خداوند مورد توجه ویژه قرار گرفته و فرزندان به امر الهی، موظف به جبران آن زحمات شده‌اند. این یادکرد سختی‌ها، افزون بر تشویق زنان به بارداری که به طور طبیعی با رنج همراه است، موجب ارزشمندی این زحمات می‌گردد و موجب می‌شود تا سختی‌ها رنگ الهی بگیرد و زن، تحمل بیشتری داشته باشد.

دوم. امر خداوند برای پاسداشت مقام مادر

برخی آیات قرآن، فرزندان را (با خطاب عام) به رعایت حقوق والدین (پدر و مادر) سفارش می‌کند. در برخی دیگر از آیات نیز مانند آیه ۸۳ سوره بقره، آیه ۳۶ سوره نساء، آیه ۵۱ سوره انعام و آیه ۲۳ سوره اسراء، نیکی به والدین بلافاصله پس از توحید آمده که نشان از اهمیت آن دارد. افزون بر این موارد، گاهی نیز به طور ویژه، پیامبران به این کار امر شده‌اند: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا وَبِرًّا بِالْوَالِدَيْنِ...»؛ و تا زنده هستم به نماز و زکات سفارش کرده است و مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده است» (مریم: ۳۲). اگرچه حضرت مسیح عليه السلام به فرمان پروردگار، از مادر بدون پدر تولد یافت، از همین سخن او که در برشمردن افتخارات خود، نیکوکاری به مادر را ذکر می‌کند (مکارم، ۱۳۷۴، ۵۶/۱۳)، می‌توان به اهمیت و مقام زنانی که این مسئولیت را به دوش می‌گیرند، پی برد.

در آیه دیگری، خداوند در ستایش پیامبر بزرگی چون حضرت یحیی عليه السلام در بیان حالات وی می‌فرماید: «وَبَرًّا بِالْوَالِدَيْنِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا»؛ و نیکوکار به پدر و مادر بود و هرگز متکبر و گردن‌کش و نافرمان نبود» (مریم: ۱۴). از این آیه شریفه دریافت می‌شود که نیکی به پدر و مادر، نمودار تقوای الهی است و این نیکی زمانی ارزشمند است که در آن هیچ‌گونه نافرمانی و سلطه‌جویی نباشد. همچنین بر این نکته تأکید شده است که ترک نیکی به والدین، نشانه

عصیان و سرکشی است.

در روایات نیز حقوق مادران نسبت به پدران مقدم دانسته شده است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

قَالَ [لَهُ] رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صِحَابَتِي قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمُّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أَبُوكَ (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵/۱۸۲).

مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «شایسته‌ترین فرد برای حسن معاشرت کیست؟» حضرت فرمود: «مادرت». مرد دوباره پرسید، حضرت فرمود: «مادرت». برای بار سوم، مرد سؤالش را تکرار کرد و حضرت فرمود: «پدرت».

سوم. مراقبت‌های جسمی از مادران

تغذیه مناسب و مراقبت فیزیکی از مادران در هنگام بارداری و زایمان اهمیت بسیاری دارد و همان‌گونه که گذشت، آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مریم به این مطلب اشاره نموده است: «وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَبِيبًا فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقرِّي عَيْنًا...».

تأمین نیازهای مادی مادران در دوران شیردهی نیز مورد توجه قرآن است. خداوند در مورد تأمین این نیازها فرموده است:

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... (بقره: ۲۳۳).

و مادران باید فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند. این (دستور) برای کسی است که می‌خواهد دوران شیرخوارگی (طفل) را تکمیل کند و روزی و لباس آنها به نحو متعارف بر عهده کسی است که طفل از آن او است (یعنی پدر).

در این آیه، هزینه غذا و لباس مادر در دوران شیردهی بر عهده پدر نوزاد است تا مادر با خاطری آسوده فرزند را شیر دهد. در آیه، عبارت «المولود له» کسی که فرزند برای او متولد شده» به جای واژه «اب» یا «والد» به معنای پدر قابل توجه است. گویی می‌خواهد عواطف پدر را برای انجام این وظیفه، بسیج کند؛ یعنی اگر هزینه کودک و مادرش در این موقع بر عهده پدر است، به این دلیل است که این کودک، فرزند او نیز هست (مکارم، ۱۳۷۴، ۲/۱۸۷). این حکم، دغدغه‌های مادران را برای تأمین نیازهای مادی برطرف می‌سازد تا وظایف خود نسبت به فرزند را بهتر انجام دهند (علاسوند، ۱۳۹۰، ۲/۱۰۹).

این اندیشه و برنامه متعالی را هرگز قابل مقایسه با دیدگاه نظریه پردازان فمینیسم نیست.
کارن دیکرومی گوید:

هیچ مردی اجازه ندارد از زن خود حمایت کند، حتی اگر زنش بسیار مایل باشد و اگر قرن‌ها از این گونه الگوهای خانگی گذشته باشد و حتی اگر منطق اقتصادی بسیار مناسبی هم در پی داشته باشد و احساس خوبی برای شوهر در پی داشته باشد؛ زیرا سبب خواهد شد احساسات و احترام فرد نابود و کم‌رنگ گردد. عشق زمانی بین دو نفر شکل خواهد گرفت که هر دو، هزینه‌های خود را جداگانه پردازند! (صادقی فسائی و دیگران، ۱۳۸۶)

در اندیشه این نویسنده، وابستگی و دلبستگی دو عنصر متضادند، درحالی که در زندگی انسان‌ها، وابستگی‌ها موجب دلبستگی‌ها می‌شود. به یقین، اگر زن ناچار باشد تمام هزینه‌های مادی و فشارهای روحی ناشی از همسری و مادری را خود متحمل شود، انگیزه‌ای برای عهده‌دار شدن این نقش‌ها، به ویژه نقش مادری نخواهد داشت. در مقابل، بر اساس اندیشه اسلامی، مادری وظیفه‌ای خطیر است که همگان، از جمله پدر فرزند که همسر قانونی زن است، باید با او همراهی کند و شرایط لازم را برای آسودگی زن ایجاد نماید. در فرهنگ سنتی برخی از کشورهای مشرق‌زمین، از جمله ایران نیز دیده می‌شود که مادران به ویژه در دوران بارداری و شیردهی، از توجه بیشتری در جامعه برخوردار می‌شوند و دیگران می‌کوشند با رفتارهایی مانند تعارف کردن غذا، دلداری در هنگام بیماری یا گریه کودک، او را از حمایت‌های روانی برخوردار نمایند.

چهارم. پاداش‌ها و حمایت‌های معنوی

گفته شد که گاهی مادران در هنگام انجام وظایف دشوار مادری در دوران بارداری و زایمان و مراقبت از نوزاد، دچار آشفتگی‌های روحی و روانی می‌شوند. اسلام با تأکید بر ابعاد معنوی مادری، سلامت روانی و احساس رضایت و امید را در مادران تقویت می‌کند. منزلت والای مادران در اسلام و توصیه‌های وجوبی و استحبابی در مورد احسان و نیکی به آنان، زمینه این آشفتگی‌ها را تا حد زیادی از میان می‌برد. رابطه محبت‌آمیز و احترام دوسویه والدین و فرزندان در بسیاری از خانواده‌های مذهبی گواه این مدعاست (اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، بیان پاداش معنوی سبب می‌شود اگر از سوی دیگران نیز مورد قدردانی قرار

نگرفتند، به امید کسب رضایت و پاداش الهی، از انجام وظایف خود دلسرد نشوند. در روایات، ارزش معنوی فعالیت‌های خاص زنانه در تولید مثل و فرزندآوری هم‌سنگ والاترین اعمال صالح بیان شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

ام سلمه (همسر پیامبر) به حضرت گفت: «ای رسول خدا! مردان همه نیکی‌ها را به چنگ آوردند. پس برای زنان بیچاره چه سهمی است؟» حضرت در پاسخ فرمودند: «چنین نیست. زن در هنگام بارداری، به منزله کسی است که روزها روزه‌دار و شب‌ها در حال عبادت است و با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کند. پس زمانی که وضع حمل می‌کند، مستحق پاداشی می‌گردد که به سبب بزرگی آن، هیچ‌کس توان درکش را ندارد و آنگاه که فرزندش را شیر می‌دهد، در ازای هر مکیدنی، پاداشی معادل آزاد کردن یکی از نوادگان حضرت اسماعیل به وی تعلق می‌گیرد. پس هنگامی که از شیر دادن فارغ گشت، فرشته بزرگواری بر پهلوی او زده، می‌گوید: اعمال خود را از سر بگیر که تمامی گناهانت آمرزیده شدند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۱ / ۴۵۱).

در این روایت به جنبه‌های مادری مانند بارداری، زایمان و شیردهی، ارزش‌گذاری معنوی ویژه‌ای صورت گرفته است؛ زیرا جنبه‌های معنوی برای انسان‌ها شوق‌برانگیز و رضایت‌آفرین است و می‌تواند بسیاری از محدودیت‌ها و مشکلاتی را که مادر در فرایند ایجاد و مراقبت از فرزند متحمل می‌شود، قابل تحمل و زیبا جلوه دهد.

این ارزش‌گذاری اسلام به نقش و عواطف مادری، در بزرگ‌ترین اعمال عبادی و واجبات دینی نیز خودنمایی می‌کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ التَّطَوُّعِ فَإِنَّ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَإِنْ دَعَتْكَ وَالِدَتُكَ فَاقْطَعْهَا (نوری، ۱۴۰۸، ۱۵ / ۱۸۱).

زمانی که در نماز نافله بودی، اگر پدرت تو را خواند نمازت را قطع نکن، ولی اگر مادرت تو را صدا کرد، نمازت را قطع کن.

در حکم دیگری در مورد نماز آمده که مادر در حالت نماز می‌تواند کودک گریانش را در آغوش بگیرد و به او شیر نیز بدهد. این حکم، گونه‌ای از حمایت و درک احساس مادری است. یکی از نویسندگان در مورد حمایت از مادران و پاداش‌های معنوی آنان می‌نویسد:

شاید زنان در موقعیت مادری و فیزیکی، در شرایط ستم‌دیدگی قرار داشتند، ولی

از نظر متافیزیکی و معنوی جایگاه برتری داشتند. این وضعیت برتر به آنها احساس رضایت می‌داد که علیه موقعیت مادری نشورند (منجم، ۱۳۸۱: ص ۸۵).

در نقد این سخن باید گفت اگر ایفای نقش مادری همراه با ایمان و باورهای معنوی باشد و دیگران، از جمله پدر و فرزندان قدردان زحمات وی باشند و در جامعه نیز به دلیل ایفای این نقش مادری حمایت‌های معنوی، مادی و حقوقی از او بشود، هرگز بر علیه مادر شدن و مادری نخواهد شورید؛ زیرا فرزندآوری و محبت به فرزند، در طبیعت زنان است که با انجام آن احساس خوشبختی می‌کنند و حس پرورش‌دهندگی خود را متجلی نمایند.

گفته شده که مادران در مقایسه با زنانی که مادری را تجربه نکرده‌اند، شخصیت تکامل‌یافته‌تری دارند. دلیل این مسئله، توانایی‌هایی اخلاقی مانند حلم و بردباری است که نتیجه کنار آمدن با وضعیت بارداری همراه با افزایش روحیه نشاط و محبت‌گریزی است و زنان از بارداری تا ماه‌ها و سال‌ها پس از زایمان، آنها را به دست می‌آورند. مادر در دوران بارداری، زایمان و مراقبت از نوزاد، خود را با وضعیت جنین و نوزاد هماهنگ می‌کند. این کار، انعطاف‌پذیری در روحیه و خلیات مادر را به ارمغان می‌آورد (علاسوند، ۱۳۹۰). به این ترتیب مادران می‌توانند با رشد کودکانشان، رشد کنند و روح خود را پرورش دهند و از این رابطه احساس رضایت‌مندی کنند.

نتیجه‌گیری

نقش مادری در اسلام و در قرآن کریم که مهم‌ترین سند اسلام است، نقشی مقدس است. اسلام در برابر مادری قراردادی که مورد نظر فمینیست‌ها است، بر مادری طبیعی تأکید می‌کند و نقش زیستی مادر در تولد فرزند را محترم می‌شمارد و این، کمترین حد مادری است که فرزند را موظف کند که تا پایان عمر، سپاس‌گزار و قدردان مادر باشد. همچنین با اشاره به اموری مانند بارداری و زایمان که دشواری زیادی دارد، توجه مردم را به سختی وظایف مادران جلب می‌کند تا انگیزه بهتر و بیشتری برای خدمت به مادران خویش داشته باشند. نیازهای جسمی و روحی مادر نیز در اسلام، دور از نظر نبوده و پدر فرزند موظف است این نیازها را تأمین کند و در مراحل فرزندآوری و فرزندپروری، با مادر هم‌دل و همراه باشد و با این رفتار، الگوی عملی فرزندان در تکریم مادر باشد.

ترسیم جایگاه ارزشی مادران نیز در ارزشمندی فردی و اجتماعی آنها تأثیرگذار است. این جایگاه با ملاک‌های مادی در جامعه ایجاد نمی‌شود، بلکه امور معنوی مانند ایجاد نگاه ارزشی به مادری و پاداش و عذاب اخروی در تکریم مادران یا بی‌اعتنایی به آنها، ضامن حفظ موقعیت مادران در نزد فرزندان است.

تأکید اسلام بر پاسداشت مقام مادران و قرار دادن پاداش‌های معنوی برای آنان، تشویق زنان به پذیرفتن این نقش است. داشتن نگاه ارزشی به مادری، یا حاشیه‌ای و غیر مهم دانستن آن در جامعه، به طور چشمگیری در تصمیم زنان برای عهده‌دار شدن این نقش تأثیر دارد. فقط با بازیافتن جایگاه واقعی مادران، زنان به ارزشمندی خود در این زمینه پی می‌برند و آن را مقدس می‌شمارند. با چنین نگرشی، سختی‌های ناشی از آن، با عطف و همراهی فرزندان در بزرگ‌سالی جبران خواهد شد و رابطه مادری و فرزندی به دور از دادوستدهای مرسوم مادی، عرصه عشق‌ورزی و جلوه احساسات پاک خواهد شد. در این شرایط، کودکان به شرط داشتن مادری آگاه و بهره‌مند از تربیت صحیح، دارای شخصیتی سالم و توانمند خواهند بود که جامعه‌ای سالم را خواهند ساخت.

نگاه مثبت زنان به مادری و قبول این مسئولیت، در فطرت آنها وجود دارد و مطابق ویژگی‌های زیستی آنها است، ولی امروزه به دلیل رواج و نفوذ اندیشه‌های فمینیستی در قالب فردگرایی و اندیشه‌هایی مانند بی‌نیازی زنان در جنبه‌های مختلف زندگی به مردان، گرایش به اشتغال، لذت‌جویی و راحت‌طلبی، فرزندآوری و اهتمام به نگهداری و مراقبت از کودک، در زنان کاهش محسوسی یافته است. درحالی‌که در اندیشه اسلامی، تمام ویژگی‌ها و مشکلات جسمی زنان در فرزندآوری ارزشمند دانسته شده و افزون بر پاداش معنوی که مشوق بسیار مناسبی برای زنان در تحمل مشکلات مادری است، به پدر کودک مسئولیت داده شده که تمام نیازهای مادر را جبران کند و در تمام مراحل با وی همراه و همدل باشد.

راهکارها و پیشنهادها

آن‌گونه که شایسته است و در قرآن کریم و روایات معصومان به آن اشاره شده و در فرهنگ سنتی ایرانیان نیز مورد توجه بوده، امروزه به فرزندآوری و جایگاه ارزشمند مادری در فرهنگ‌سازی پرداخته نشده و گاه اندیشه‌هایی متضاد با آن نیز شکل گرفته است. یکی از این موارد،

سیاست‌های مهار جمعیت بود که تنها دلیل آن با شعار «فرزند کمتر؛ زندگی بهتر»، آسودگی و رفاه بیشتر معرفی شد. برنامه‌های تلویزیونی که نقش زیادی در فرهنگ‌سازی در جامعه دارند، خانواده‌هایی را در مجموعه‌های تلویزیونی و فیلم‌های سینمایی آسوده و خوشبخت نشان دادند که فرزندی نداشتند و یا یکی دو فرزند داشتند. خانواده‌های پرجمعیت‌تر، افرادی بی‌فرهنگ و جزو طبقه آسیب‌پذیر جامعه و دارای تحصیلات اندک بودند.

معرفی الگوی اشتغال زنان در عرصه‌های مختلف نیز بی‌تأثیر نبود. حاکمیت چنین دیدگاهی در رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی کشور سبب شد که نگاه زنان به فرزندآوری تغییر یابد. از سوی دیگر، با کاهش تعداد فرزندان مسئولیت پدران در برابر کودکان نه فقط افزایش نیافت، بلکه گاهی به پرداخت هزینه‌های مادی منحصر شد. برای تغییر این شرایط، نگاه ارزشی به مادری در جامعه باید دگرگون شود. این هدف می‌تواند با سرمایه‌گذاری فرهنگی در رسانه‌ها پیگیری شود.

در جامعه اسلامی، همه مسایل از جمله نقش‌های خانوادگی مانند مادری، باید با نگاهی الهی و ارزشی مد نظر قرار داده شود. می‌توان از اصول قرآنی و دینی در روابط خانوادگی و مسایل مربوط به مادران در فرهنگ جامعه استفاده نمود و نگاه زنان و مردان را به نقش مادری تکامل بخشید. برای دستیابی به این هدف لازم است تا موانع این کار که مهم‌ترین آنها، رواج اندیشه‌های فمینیستی و دوری از ارزش‌های اخلاقی و مذهبی است، شناخته شود و برای رفع آنها برنامه‌ریزی نمود. این برنامه‌ها عبارت‌اند از:

- ارتقای نقش و جایگاه مادران در جامعه؛
- تحول در نگرش‌ها و روش‌ها و محتوای آموزشی کتب درسی در ارزشمند جلوه دادن مادری و وظایف مربوط به آن؛
- تربیت و توانمندسازی جسمی، روانی و علمی دختران بالغ برای عهده‌داری نقش مادری؛
- تغییر نگاه ارزشی زنان و مردان جامعه نسبت به مادری؛
- معرفی الگوهای اسلامی و ملی از مادران نمونه؛
- رد علمی شبهات و اندیشه‌های فمینیستی توسط پژوهشگران و محققان اسلامی.

فهرست منابع

※ قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴هـ.ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. بستان، حسین، (۱۳۸۸)، اسلام و تفاوت‌های جنسیتی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. _____ (۱۳۸۸)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. تشکری، زهرا، (۱۳۸۱)، زن در نگاه روشنفکران، قم: کتاب طه.
۵. جمشیدی، اسدالله، (۱۳۸۵)، زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی: جستاری در هستی‌شناسی زن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹هـ.ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۷. دوبوار، سیمون، (۱۳۸۰)، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: توس.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲هـ.ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت: دارالعلم دار الشامیه.
۹. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷هـ.ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۰. صادقی فسائی، سهیلا، و جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۶)، فمینیسم و خانواده، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۱۱. طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷هـ.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طبرسی، ابن الحسن، تفسیر مجمع البیان، (بی‌تا)، ترجمه علی کرمی، بی‌جا: مؤسسه انتشارات فراهانی.
۱۳. عزیز، فریدون، (۱۳۶۳)، فیزیولوژی غدد مترشح داخلی، تهران: کمیته پزشکی جهاد دانشگاهی.
۱۴. علاسوند، فریبا، (۱۳۹۰)، زن در اسلام، قم: نشر هاجر.
۱۵. فخررازی، ابوعبدالله، (۱۴۲۰هـ.ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۷. قرطبی، محمدبن احمد، (۱۳۶۴)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷هـ.ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳هـ.ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث.
۲۰. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۱)، از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. منجم، رویا، (۱۳۸۱)، زن-مادر: نگاهی متفاوت به مسأله زن، تهران: نشر مس.
۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸هـ.ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.